



نور و تجلیات آن در مسجد شیخ لطف‌الله: تبیین دیدگاه‌های ابن عربی

سمیه آرزوفرا^۱

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ □ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰ □ صفحه ۹۹-۱۱۱

Doi: 10.22034/RPH.2024.2038030.1068

چکیده

هنر اسلامی به واسطه اندیشه اسلامی، مشروط به تعبیر خاصی از ارائه اثر بر پایه تجلیات معنوی است. بر همین اساس، هنرمند در نگرشی تنزیه‌ی، هیچ‌گاه به ذات الهی تحدی نمی‌نماید، بلکه با نگاهی آمیخته به نگرش تشبیهی اثرش را مظه‌ری از تجلی الهی قرار می‌دهد. سؤال پژوهش حاضر این است: چگونه نور مطلق و تجلیات آن در مسجد شیخ لطف‌الله بازتاب یافته و تا چه حد می‌توان این بازتاب‌ها را با دیدگاه ابن عربی تطبیق داد؟ این مقاله قصد دارد تا با بررسی جنبه‌های مختلف کاربرد نور در مسجد شیخ لطف‌الله، ارتباط میان طراحی معماری و مفاهیم عرفانی مرتبط با نور در عرفان اسلامی را تبیین کند و نشان دهد چگونه این مفاهیم به‌طور هنرمندانه‌ای در این بنای تاریخی تجلی یافته‌اند. هدف نهایی، ارائه تحلیلی تطبیقی از جنبه‌های معنوی و عرفانی نور در مسجد شیخ لطف‌الله و دیدگاه‌های محی‌الدین ابن عربی است. روش تحقیق در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی بوده و در روش گردآوری اطلاعات ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای، از تحقیقات میدانی شامل بررسی و مشاهده استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طراحی نور در مسجد شیخ لطف‌الله به‌طور هوشمندانه‌ای مفاهیم عرفانی ابن عربی را به نمایش می‌گذارد. نور در این مسجد، هم به‌عنوان نمادی از نور مطلق و ذات الهی عمل می‌کند و هم به‌طور نمادین و تجلیاتی در فضای معماری ظهور می‌یابد. طراحی نور به‌گونه‌ای است که تجربه‌ای معنوی و عرفانی را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌آورد، به‌طوری‌که بازتاب نور در این مسجد به‌نوعی با مفاهیم تشبیه و تنزیه و مراتب نور در عرفان ابن عربی مطابقت دارد. به‌عبارتی، نور نه تنها جلوه‌ای از حقیقت الهی را به نمایش می‌گذارد بلکه به واسطه طراحی هوشمندانه و غیرمستقیم آن، به جنبه‌های پنهان و فراتر از درک انسان نیز اشاره دارد.

کلیدواژه‌ها: نور، تشبیه، تنزیه، معماری اسلامی، ابن عربی، مسجد شیخ لطف‌الله

۱. استادیار گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.



مقدمه

مسئله تشبیه و تنزیه در خداشناسی اسلامی، از موضوعات اصلی و چالش‌برانگیزی است که مورد توجه فیلسوفان، متکلمان و عارفان اسلامی قرار گرفته است. این مفاهیم به چگونگی توصیف خداوند از طریق اسما و صفات الهی و نیز به تفسیر رابطه میان عالم کثرت و وحدت ذاتی الهی اشاره دارد. تشبیه، به معنای نزدیک ساختن و شبیه دانستن خداوند به مخلوقات است، که اگر به افراط کشیده شود، ممکن است به محدودسازی مفهوم الوهیت منجر شود. در مقابل، تنزیه، به دور نگه‌داشتن خداوند از هرگونه شباهت با صفات انسانی می‌پردازد، که این نیز اگر بی‌حدومرز دنبال شود، می‌تواند فهم الوهیت را مبهم و غیرقابل درک سازد.

تعادل میان این دو رویکرد، چالشی است که همواره در اندیشه اسلامی مطرح بوده است و درک این تعادل برای شناخت دقیق‌تر آثار هنری اسلامی نیز اهمیت فراوان دارد. هنر اسلامی که در بستر فلسفه و عرفان اسلامی شکل گرفته، در تلاش است تا بدون غرق شدن در تشبیه یا تنزیه مطلق، راهی برای بیان حقیقت الهی بیابد. در این میان، محی‌الدین ابن عربی، یکی از برجسته‌ترین عارفان اسلامی، با ارائه دیدگاهی متعادل از تشبیه و تنزیه، تلاش کرده است تا این دو مفهوم را به‌گونه‌ای هماهنگ و هم‌افزا تبیین کند. از نگاه او، درک کامل خداشناسی و همچنین هنر اسلامی، در گروی ترکیب و تعادل میان این دو رویکرد است. او بر این باور است که افراط در هر یک از این دو، می‌تواند به گمراهی و محدود کردن درک از حقیقت الهی بیانجامد. در نتیجه، می‌توان گفت که هنر اسلامی در کمال خود، تلاشی است برای ایجاد توازن میان تشبیه و تنزیه. این هنر، به جای تقلید مستقیم از طبیعت، از نور و دیگر عناصر به‌گونه‌ای بهره می‌برد که مفاهیم عمیق عرفانی را بازتاب دهد، بدون آنکه به ورطه تشبیه یا تنزیه افراطی فرو افتد.

نور، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر در معماری اسلامی، همواره نقشی فراتر از جنبه‌های صرفاً زیبایی‌شناختی ایفا کرده و به‌عنوان نمادی از حضور و تجلیات الهی در جهان مادی به کار گرفته شده است. مسجد شیخ لطف‌الله، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های معماری اسلامی دوره صفوی، به‌ویژه از نظر بهره‌گیری از نور، شاهکاری بی‌نظیر محسوب می‌شود. این مسجد با طراحی نورپردازی منحصر به فرد خود، نه تنها فضایی زیبا و دل‌انگیز ایجاد می‌کند، بلکه مفاهیم عمیق عرفانی را نیز به شکلی هنرمندانه به نمایش می‌گذارد.

ابن عربی، عارف بزرگ اسلامی، در فلسفه و عرفان خود به مفهوم نور مطلق به‌عنوان تجلی ذات الهی توجه ویژه‌ای دارد. او نور را نه تنها به‌عنوان پدیده‌ای فیزیکی، بلکه به‌عنوان نمادی از حقیقت الهی که در عالم ظهور می‌کند، تبیین می‌کند. در این میان، مسجد شیخ لطف‌الله، با بهره‌گیری از نور، به‌طور نمادین به این تجلیات

اشاره دارد و پیوندی میان هنر و عرفان اسلامی برقرار می‌کند. اگرچه معماری مسجد شیخ لطف‌الله بارها از منظر زیبایی‌شناسی و تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است، اما کمتر تحقیقی به‌طور خاص به ارتباط میان طراحی نور در این مسجد و مفاهیم عرفانی پرداخته است. این تحقیق تلاش می‌کند تا رابطه میان نورپردازی در مسجد شیخ لطف‌الله و مفاهیم نور مطلق و تجلیات الهی در عرفان ابن عربی را بررسی کند.

مسئله اصلی این است چگونه نور مطلق و تجلیات آن در معماری مسجد شیخ لطف‌الله بازتاب یافته است؟ تا چه حد می‌توان این بازتاب‌ها را با دیدگاه‌های عرفانی ابن عربی تطبیق داد؟ چه ارتباطی میان مفاهیم تشبیه و تنزیه در عرفان ابن عربی و طراحی نورپردازی در مسجد شیخ لطف‌الله وجود دارد؟

این پژوهش به دنبال این اهداف است:

- تحلیل بازتاب نور مطلق و تجلیات آن در معماری مسجد شیخ لطف‌الله.

- بررسی تطبیقی دیدگاه‌های عرفانی ابن عربی با طراحی نورپردازی در مسجد.

- تبیین رابطه میان مفاهیم تشبیه و تنزیه با نورپردازی در معماری مسجد.

- ارائه تحلیلی از چگونگی خلق یک تجربه معنوی و عرفانی از طریق طراحی نور در مسجد.

- این پژوهش به‌طور مستقیم به غنای مطالعات معماری اسلامی و عرفان اسلامی افزوده و به شناسایی جنبه‌های کمتر مورد توجه قرار گرفته این آثار خواهد پرداخت.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش به صورت کیفی است و ابزارهای اندازه‌گیری این پژوهش، جداول، اشکال، اطلاعات فیش‌برداری شده از مقالات، کتب و رسالات و بازدید میدانی صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به تحقیقات انجام گردیده؛ می‌توان در خصوص تفسیر مفهوم تشبیه و تنزیه از نگاه عالمان اسلامی به آثار پژوهشی متعددی اشاره کرد. اما از جهت تطبیق مفهوم تشبیه و تنزیه در خصوص هنر اسلامی تنها چند نمونه پژوهش در این زمینه صورت گرفته است و در باب اطلاق نور بر خدا در معماری اسلامی هیچ‌گونه پژوهشی انجام نشده است.

صفری احمدآباد و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان

جلوه‌های معناشناختی نور در معماری اصفهان دوره صفوی؛ نمونه موردی: مسجد شیخ لطف‌الله در شهر اصفهان، به بررسی معناشناختی حضور نور در مسجد شیخ لطف‌الله پرداخته است و با تبیین نظام سلسله مراتبی در طراحی نور در فضاهای این مسجد، نظامی سه‌گانه شامل انفضال، انتقال و اتصال (مکت، حرکت و تأکید) در طراحی این بنا را بازشناسی نموده است. نظامی که به دنبال حرکت از ماده به سوی معنویت، حرکت از تاریکی به سوی روشنی، حرکت از سنگینی به سوی سبکی و در یک‌کلام حرکت از عالم ناسوت به سوی عالم لاهوت است و نتیجه ایجاد فضایی سراسر معنوی است که حضور خدا در هر سو احساس می‌شود.

سیروس محسنی ناغانی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمت مساجد اسلامی با تکیه بر مسجد شیخ لطف‌الله» در این تحقیق سعی شده به موضوع حکمت در هنر اسلامی پرداخته شود و از دیدگاه‌های متفکران هنر اسلامی، تعبیر حکمت مورد بررسی قرار گیرد. سپس به اصل و منشأ معماری اسلامی پرداخته شده و در ادامه مساجد اسلامی و عناصر آن مورد مطالعه قرار گرفته است، زیرا مساجد به عنوان مهم‌ترین بخش در معماری اسلامی است و از آنجایی که مسجد شیخ لطف‌الله در بین مساجد اسلامی به طور کامل آموزه‌های قرآنی و دینی را دنبال می‌کند، ضرورت تحقیق در مورد این مسجد را آشکار می‌کند. در این تحقیق حکمت عناصر آن مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین در ادامه ارتباط عناصر و تزیینات مسجد شیخ لطف‌الله با حروف ابجد مورد تحقیق و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

نوشتار حاضر نوآوری خود را در ترکیب مفاهیم عرفانی ابن عربی با تحلیل معماری مسجد شیخ لطف‌الله از دیدگاه نورپردازی به دست می‌آورد و به‌طور خاص به بررسی نقش نور به عنوان تجلی نور مطلق و نمادی از مفاهیم تشبیه و تنزیه در عرفان ابن عربی می‌پردازد. تحلیل تطبیقی بین دیدگاه‌های عرفانی و نحوه استفاده از نور در معماری، دیدگاه جدیدی را ارائه می‌دهد که پیش‌تر به این شکل مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین، این تحقیق با تمرکز بر تفسیر معنوی و عرفانی نور در معماری، سعی دارد تا پیوند عمیق‌تری بین هنر اسلامی و فلسفه عرفانی برقرار کند و از این طریق، فهم جدیدی از نحوه تجلیات الهی در معماری اسلامی ارائه دهد.

بررسی جایگاه نور در قرآن

فرهنگ اسلام با برداشت اصیل و واقعی از مفهوم نور تعبیر متعدد و متنوعی را از آن مطرح کرده است. در قرآن کریم به عنوان کتابی برای هدایت همگان، حقایق به روش‌های مختلفی چون زبان رمز و تمثیل، در زمینه‌های گوناگون بیان شده است. یکی از موضوعات مهم در این کتاب آسمانی «نور» است. این واژه با

«بررسی مفهوم تشبیه و تنزیه از نگاه محیی‌الدین ابن عربی و تطبیق آن با فضای نگارگری ایران (قرن ۹ و ۱۰ هجری)» به بررسی مفهوم تشبیه و تنزیه در شیوه مصورسازی نگارگر ایرانی، با تأکید بر نگرش محیی‌الدین ابن عربی در خصوص معرفت‌شناسی این دو واژه پرداخته‌اند و این نتایج این مقاله بیانگر این است که عناصر تصویری موجود در نگارگری ایرانی-اسلامی، به‌گونه‌ای خاص زبان حقیقتی هستند که در عرصه عمل هنرمند، مبدل به بیانی جهت مصورسازی عالم دوبعدی در هیئت نور واحد شده‌اند؛ که صفات و نسبت‌های حق را به دور از هرگونه اندیشه برابری کردن با آفرینش الهی؛ به عرصه ظهور می‌رساند.

بنی اردلان (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «مصاحبت نور با نور» ابتدا مبحث نورشناسی را از دیدگاه علمی کنکاش می‌نماید و در ادامه به تفسیر نور در قرآن و آراء شیخ اشراق می‌پردازد و آن را با جمع میان تشبیه و تنزیه مرتبط می‌داند و درنهایت با ارجاع به آراء ابن عربی این مفهوم را در انطباق با مضامین بصر و بصیرت قرار می‌دهد و بیان می‌دارد «بصیرت نوری است که در دل‌ها مستقر می‌گردد و هنرمند مسلمان به‌واسطه آن دست به آفرینش می‌زند». پریا سعادت جو (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی معماری مساجد و مقایسه مساجد شیعی صفوی با مساجد ادوار سه‌گانه پیش از آن، بر اساس ظهور شاخصه‌های مفاهیم قدسی شیعی» با هدف تبیین مفاهیم پایه عرفان اسلامی، تشبیه، تنزیه، جمال و جلال به گونه‌شناسی مفهومی مساجد و معرفی شاخصه‌های هرگونه پرداخته است.

احمد پهلوان (۱۳۹۴)، در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی تشبیه و تنزیه در هنر اسلامی با تکیه بر آراء ابن عربی و ملاصدرا در باب خیال» در دانشگاه باقرالعلوم^(۲)، به راهنمایی حجت‌الاسلام والمسلمین حسن معلمی، نسبت دیدگاه دو اندیشمند اسلامی را در باب بحث تشبیه و تنزیه، و پیوندی که مفهوم خیال در مراتب وجود دارد را بررسی کرده و همچنین رابطه آن با شکل‌گیری متمایز در هنر اسلامی در بیان ویژگی تصویری غیر فیگوراتیو را مورد واکاوی قرار داده است.

سید حسین نصر (۱۳۸۳)، در کتاب آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام در زمینه تطبیق آراء و اندیشه‌های عرفانی ابن عربی با فضای هنر اسلامی؛ در خصوص نگرش صرف به مبحث تشبیه و تنزیه پرداخته است. وی در این کتاب معتقد است «مسیحیت تجلی وجه باطنی سنت ابراهیمی است و از این جهت به تشبیه صرف می‌پردازد، اما یهودیت بیانگر وجه ظاهری سنت ابراهیمی است؛ بنابراین به تنزیه صرف مشغول است، اما در دین اسلام هر دو جنبه ظاهر و باطن سنت ابراهیمی متجلی می‌شود و در مفهوم توحید به کمال می‌رسد».

فریبا البرزی و دیگران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل

مخلوقات مبرّا بدانیم، اما عرفا با تأکید بر تشبیه، خداوند را در همه چیز حاضر و شبیه می‌دانند (چیتیک، ۱۳۸۹، ص. ۷۳). در عرفان اسلامی، تأکید ویژه‌ای بر جمع میان تشبیه و تنزیه دیده می‌شود و ابن عربی در آثار خود به تحلیل و توضیح این موضوع پرداخته است. او و پیروان مکتبش بر لزوم ترکیب این دو مفهوم تأکید دارند و هرگونه تشبیه یا تنزیه محض را رد می‌کنند. ابن عربی معتقد است که معرفت حقیقی تنها از طریق تلفیق این دو مفهوم به دست می‌آید (ابن عربی، ۱۳۷۰، ص. ۷۰).

همچنین، در قرآن کریم، تنها در آیه نور (آیه ۳۵ سوره نور) لفظ «نور» به خداوند نسبت داده شده است.^۳ این انتساب نور به خداوند، چالشی را در ارتباط با مفهوم تنزیه الهی ایجاد می‌کند. مفسران در تفسیر این آیه به دو گروه اصلی تقسیم شده‌اند: گروهی که این انتساب را مجازی و دیگری که آن را حقیقی می‌دانند. گروه نخست معتقدند که حمل معنای حقیقی نور بر خداوند امکان‌پذیر نیست، زیرا این امر مستلزم جسمانی دانستن خداوند است و لذا برای حفظ اصول تشبیه و تنزیه، معنای مجازی را برای آن در نظر می‌گیرند. این مفسران نور را به معانی مختلفی چون هدایت‌کننده (طبری، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۸، ص. ۱۰۵)، زینت‌دهنده (تستری، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۱)، و روشن‌کننده (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج. ۲، ص. ۵۱۲) تعبیر کرده‌اند. در مقابل، گروه دوم با رویکرد مابعدالطبیعی به این موضوع، قائل به حقیقی بودن اطلاق نور بر خداوند هستند (قراملکی، ۱۳۹۸).

تشبیه و تنزیه حق در دیدگاه ابن عربی

ابن عربی در فص حکمتی منسوب به «سُبُوح»^۴ در فصوص الحکم به شرح مفاهیم تشبیه و تنزیه می‌پردازد. ابن عربی معتقد است که خداوند نه به‌طور کامل با مخلوقات یکسان است و نه کاملاً از آن‌ها جدا. از این رو، تشبیه محض، یعنی شبیه دانستن خداوند به مخلوقات، و تنزیه مطلق، یعنی دور دانستن خداوند از هر شباهتی با مخلوقات، هر دو محدودیت‌هایی در درک اطلاق وجودی خداوند ایجاد می‌کنند. این دو رویکرد، اگر به‌طور مطلق دنبال شوند، به محدودسازی معرفت الهی منجر می‌شوند. ابن عربی به این نکته اشاره دارد که مخلوقات تجلی و ظهور اسما و صفات الهی هستند، اما این تجلیات به معنای عینیت کامل خداوند با مخلوقات نیست؛ بلکه نشانه‌هایی از حضور الهی در جهان هستند (ابن عربی، ۱۳۹۳، ص. ۳۹).

ابن عربی در تبیین دیدگاه خود، خداوند را دارای دو مرتبه یا سطح وجودی می‌داند: ذات و صفات. از نظر او، ذات الهی که با اصطلاحاتی مانند «ذات بحت»، «کنز مخفی»، «احدیت ذاتی» و «مرتبه لا اسم له و لا رسم له» توصیف می‌شود، کاملاً از ادراک بشر خارج است. و با علامت رمزی «هو» بدان مرتبه اشاره می‌شود

مصادیق مختلف، ۴۳ بار بیان شده است که تأمل در آنها نکاتی چند را به ذهن متبادر می‌سازد؛ از جمله اینکه کلمه نور در بسیاری از آیات در کنار ظلمت به کار رفته است. خداوند در قرآن هدف نهایی را هدایت از ظلمت به نور می‌داند. بسیار تأکید می‌گردد که جایگاه نور و تاریکی متفاوت است (رعد: ۱۶) و بارها وعده داده شده است که هدایت و رهنمونی از تاریکی به سوی نور صورت پذیرد (بقره، ۲۵۷) و مقصد و هدف نهایی رهنمونی به سوی نور است. خداوند به هر که بخواهد روشنی و نور می‌بخشد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند (نور: ۳۵) و زمین به نور پروردگار روشن گردید (زمر: ۶۹). در آیاتی نور را در تقابل با تاریکی و ظلمت می‌داند، نوری که متمایز می‌کند و نوری که مورد تأکید قرار می‌گیرد (مانده: ۶) در این میان واژه ظلمت ۲۳ بار به کار برده شده است. کتب آسمانی قرآن، تورات، انجیل که هدایتگر بشر هستند، در قرآن نمادی از نور ذکر شده‌اند. مشهورترین آیه‌ای که در قرآن کریم بحث نور را طرح کرده است آیه ۳۵ سوره نور است که ۵ مرتبه واژه نور در آن به کار رفته است و تفسیرهای مختلف و بسیاری از آن آیه ارائه شده است در این آیه بر خداوند اطلاق نور شده است. به تعبیر علامه طباطبایی این آیه از غر آیات است که کل جهان را بر اساس توحید و نورانیت ترسیم می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۷۰، ص. ۷۸).

اطلاق نور به خدا از دیدگاه عالمان اسلامی

مسئله رؤیت خداوند یکی از مباحث بنیادی در اندیشه اسلامی است. «در معارف اسلامی در یک تقسیم‌بندی اولیه و کلی درباره نسبت میان خداوند و عالم می‌توان گفت دو قول رایج است تنزیه و تشبیه» (پازوکی، ۱۳۹۲، ص. ۸۱) تنزیه که از ریشه «نزه» گرفته شده، به معنای پاک و مبرّا دانستن خداوند از هر نقص و کاستی است. به عبارتی، تنزیه به معنای دور دانستن خداوند از هرگونه نقص و صفات انسانی است و شامل تقدیس خداوند از هرگونه شریک، مشابه، و نقص می‌شود (جرجانی، ۱۳۷۰، صص. ۲۹-۳۰؛ تهنوی، ۱۹۹۶م، ج. ۱، ص. ۴۲۷). در مقابل، تشبیه از ریشه «شبه» به معنای مانند دانستن چیزی به چیز دیگر است و در اصطلاح عرفانی به معنای نسبت دادن صفات مخلوقات به خداوند و مشابهت دادن حق با خلق است^۵ (جهانگیری، ۱۳۷۵، ص. ۲۷۷).

اگرچه این اصطلاحات مستقیماً قرآنی نیستند، اما مباحث مرتبط با آن‌ها در قرآن کریم به‌وفور دیده می‌شود. در تاریخ اسلام، همواره تضادی میان این دو دیدگاه وجود داشته است؛ صوفیان بر نزدیکی به خداوند تأکید کرده‌اند، درحالی‌که متکلمان و فقها بر فاصله و دوری از او تأکید داشته‌اند. از دیدگاه متکلمان، درک عقلانی از خداوند ایجاد می‌کند که او را از هرگونه مشابهت با

او تأکید دارد که نور الهی، هم در ظاهر و هم در باطن جهان مخلوقات حضور دارد؛ به طوری که شناخت حقیقت الهی تنها از طریق ترکیب تشبیه (ظاهر) و تنزیه (باطن) امکان پذیر است. بنابراین، از نگاه او، انسان تنها زمانی به معرفت راستین از خداوند دست می‌یابد که جهان را به عنوان مظهر اسم «ظاهر» و «باطن» بشناسد. به این ترتیب، ابن عربی به تبیینی جامع از وحدت در کثرت و کثرت در وحدت می‌رسد که هم جنبه‌های تنزیهی و هم جنبه‌های تشبیهی خداوند را دربر می‌گیرد. تفسیر او به دو جنبه اصلی تقسیم می‌شود: وجودشناختی و معرفت‌شناختی.

۱. تفسیر وجودشناختی (اوتولوژیک) آیه نور از منظر ابن عربی

نور به عنوان حقیقت وجودی: در تفسیر آیه «اللهم نور السموات والأرض» (سوره نور، آیه ۳۵) به تبیین نقش نور به عنوان جوهره وجودی خداوند و حقیقت مطلق می‌پردازد. وی معتقد است که خداوند به عنوان «نور السموات والأرض»، نوری است که همه چیز از آن نشئت می‌گیرد و وجود حقیقی در واقعیت هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند نیست. این نور، نه فقط به معنای روشنایی فیزیکی، بلکه به معنای وجودی است که همه موجودات از آن بهره‌مند می‌شوند.

تجلی و ظهور نور: او در *الفتوحات المکیه* می‌نویسد: «خداوند نور مطلق است و تمامی موجودات در واقع تجلیات این نور هستند. نور الهی در مراتب مختلفی از وجود تجلی می‌یابد که شامل نور ذات، نور صفات و نور افعال است.» ابن عربی بر این باور است که نور الهی در مراتب مختلفی از وجود تجلی می‌یابد. این مراتب شامل نور ذات (که به خود خداوند اختصاص دارد و فراتر از درک انسانی است)، نور صفات (که در صفات الهی مانند علم، حیات و قدرت متجلی می‌شود) و نور افعال (که در عالم مشهود است) می‌باشد. این مراتب نشان‌دهنده نحوه ظهور و تجلی خداوند در عالم هستی است (ابن عربی ۱۹۰۰م، ج ۲، ص ۱۸۹).

وحدت وجود: ابن عربی در *فصوص الحکم* نیز به وحدت وجود اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که همه موجودات تجلیات مختلف نور واحد الهی هستند و هیچ کدام از آن‌ها وجود مستقلی از خداوند ندارند: «وجود حقیقی فقط متعلق به خداوند است و سایر موجودات تنها بازتابی از این وجود مطلق هستند.» (ابن عربی، ۱۹۸۲م، ص ۲۳).

۲. تفسیر معرفت‌شناختی (اپیستمولوژیک) آیه نور از منظر ابن عربی
ابن عربی نور را به عنوان نمادی از علم و معرفت الهی تفسیر می‌کند که به واسطه آن، انسان قادر به درک و شناخت خداوند می‌شود.

این مرتبه از وجود خداوند قابل تشبیه یا تنزیه نیست (ابن عربی، ۱۳۷۰، ۶۸-۶۷؛ همچنین بی تا، ج ۲، ص. ۲۸۸) نه قابل دیدن و اشارات حسی^۵ (خوارزمی، ۱۳۶۸، ص. ۱۳۹) و هیچ‌گونه اسم یا وصفی نمی‌تواند آن را توصیف کند (ابن عربی، ۱۳۷۰، ص. ۶۷-۶۸). به بیان دیگر، همه انبیاء و اولیاء در برابر این مرتبه مطلق، حیران و ناتوان از شناخت قرار می‌گیرند^۶، چراکه وجود او بی نهایت و نامحدود است. در این مقام، نه امکان شناخت حسی وجود دارد و نه عقل می‌تواند به درک کاملی از آن برسد (ابن عربی، ۱۳۷۰، ص. ۶۹). با این حال، صفات الهی، که در قالب اسما و صفات تجلی می‌یابند، واسطه‌ای هستند که از طریق آن‌ها خداوند برای مخلوقات قابل شناخت می‌شود. این صفات و تجلیات در جهان مادی و عینی حضور دارند و باعث ظهور و پدیداری مخلوقات می‌شوند. از نگاه ابن عربی، جهان به واسطه تجلیات اسما و صفات خداوند به وجود آمده و هر موجودی، مظهری از این اسما و صفات الهی است (ابن عربی، ۱۳۷۰، ص. ۲۰۳). او این دیدگاه را بر اساس حدیث قدسی «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف» بیان می‌کند که نشان می‌دهد حب ذاتی خداوند به شناخت خود، باعث خلق جهان و تجلیات او شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۳۴۴-۱۹۹). بنابراین تنها افرادی که عرصه گیتی را به مثابه اسم ظاهر حق بدانند، همان‌گونه که باطن عالم را مظهر اسم «الباطن» در نظر آورند به معرفت راستین دست یافته‌اند «اوست اول و آخر و ظاهر و باطن»^۷. ابن عربی در شرح مفهوم خداشناسی خود، به آیاتی از قرآن که صفات جسمانی برای خداوند اثبات می‌کنند، اشاره کرده و آن‌ها را تأویل می‌کند. او معتقد است که این صفات جسمانی، تنها جنبه‌هایی از تجلیات اسمای الهی هستند و نباید خداوند را به آن‌ها محدود کرد. از این رو، او تلاش می‌کند که مفهوم تشبیه را با تنزیه درآمیزد، به طوری که درک کاملی از اطلاق و وحدانیت ذات الهی به دست آید. به این معنا، تشبیه به عنوان تجلیات کثرت‌گرایانه در قالب اسما و صفات ظاهر می‌شود، در حالی که تنزیه بر وحدانیت و اطلاق ذات الهی تأکید دارد.

تفسیر آیه نور از نگاه ابن عربی

یکی از مهم‌ترین تفاسیر ابن عربی از تجلیات الهی، در تحلیل آیه «اللهم نور السموات والأرض» (سوره نور: ۳۵) ارائه می‌شود. او نور الهی را به عنوان حقیقت مطلق می‌داند که از طریق تجلی در جهان مادی ظهور می‌کند. این نور، که نمادی از ذات الهی است، در جهان به اشکال مختلف و در پدیده‌های گوناگون بازتاب می‌یابد. بنابراین، نور در دیدگاه ابن عربی صرفاً یک پدیده فیزیکی نیست، بلکه رمز و نمادی از حضور الهی در عالم است.

ابن عربی در این تفسیر، نور را هم به عنوان واسطه‌ای برای شناخت خداوند و هم به عنوان مظهر وحدانیت او معرفی می‌کند.

- نور به‌عنوان ابزار معرفت: او در *الفتوحات المکیه* به این موضوع اشاره می‌کند:

«نور الهی همان علم و معرفتی است که خداوند به‌واسطه آن حقایق را برای انسان‌ها آشکار می‌کند. این نور، روشنائی معرفت و شناخت است.» این نور باعث می‌شود که انسان‌ها قادر به شناخت حقیقت وجودی خداوند و جهان باشند. معرفت در اینجا مانند نوری است که تاریکی جهل را از بین می‌برد و حقیقت را روشن می‌سازد. (ابن عربی، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص. ۲۴۴).

- قلب به‌عنوان محل تجلی نور: ابن عربی همچنین قلب انسان را به‌عنوان محل تجلی نور معرفت الهی معرفی می‌کند. وی در این رابطه می‌گوید:

«قلب انسان مانند قندیلی است که وقتی با نور الهی روشن شود، می‌تواند به شناخت حقیقی خداوند دست یابد.» (ابن عربی، ۱۹۸۲م، ص ۱۱۵).

- تنزیه و تشبیه: ابن عربی در تفسیر این آیه به مسئله تنزیه و تشبیه نیز می‌پردازد. او نور را به‌عنوان تشبیهی برای فهم حضور خداوند در عالم به کار می‌برد، اما در عین حال تأکید دارد که نور الهی فراتر از هرگونه تشبیه و توصیف انسانی است. این نور نه تنها خداوند را برای انسان قابل درک می‌سازد (تشبیه)، بلکه او را از هرگونه محدودیت و نقص تنزیه می‌کند (تنزیه).

۳. مثال‌های مرتبط در تفسیر آیه نور از منظر ابن عربی

ابن عربی در تفسیر آیه نور از مثال‌هایی استفاده می‌کند که در خود آیه نیز آمده است، از جمله مثال قندیل و مشکات. او قندیل را نمادی از قلب انسان می‌داند که با نور معرفت الهی روشن می‌شود و مشکات را به‌عنوان نمادی از ساختار وجودی انسان معرفی می‌کند: «قندیل همان قلب است که با نور الهی روشن می‌شود و مشکات ساختاری است که این نور را در خود نگه می‌دارد.» (ابن عربی، ۱۹۰۰م، ج ۴، ص. ۳۳۲).

ابن عربی توضیح می‌دهد که قندیل نماد قلبی است که در آن نور خداوند به صورت معرفت و عشق به خداوند تجلی می‌یابد. وقتی این قندیل روشن شود، انسان به شناخت حقیقی خداوند دست می‌یابد. مشکات یا طاقچه‌ای که قندیل در آن قرار دارد، نماد وجودی انسان است که حامل نور الهی است. ابن عربی مشکات را به‌عنوان نمادی از ساختار وجودی انسان تفسیر می‌کند که باید پذیرای نور الهی باشد.

ابن عربی در تفسیر آیه نور، نور را به‌عنوان جوهره وجودی خداوند و ابزار اصلی شناخت الهی معرفی می‌کند. نور الهی در این آیه هم حقیقت وجودی همه موجودات را بیان می‌کند و هم راهنمایی برای دستیابی به معرفت و شناخت خداوند است. این نور، هم به‌عنوان نمادی از حضور خداوند در عالم (تشبیه)

و هم به‌عنوان بیانی از فراتر بودن خداوند از هرگونه تشبیه (تنزیه) عمل می‌کند. تفسیر ابن عربی از آیه نور، به‌عنوان یک تحلیل جامع عرفانی و فلسفی، تأکید بر وحدت وجود و اهمیت معرفت شهودی در شناخت خداوند دارد. او در آثارش بارها به این پیوند اشاره می‌کند که نور الهی هم بیانگر وحدت وجود و هم راهنمایی برای دستیابی به معرفت الهی است.

۱. تشبیه و تنزیه حق با نور از منظر ابن عربی

- تشبیه: در نظر ابن عربی، نور به‌عنوان یک نماد از حقیقت الهی و تجلیات آن در عالم هستی استفاده می‌شود. نور به‌نوعی نمایانگر ویژگی‌های خداوند است و به‌عنوان یک ابزار تشبیه برای بیان حضور و تأثیر خداوند در عالم به کار می‌رود. از این دیدگاه، نور به‌عنوان یک تمثیل برای بیان زیبایی، درخشندگی و حضور الهی در جهان است. ابن عربی در *الفتوحات المکیه* می‌گوید: «نور الهی همانند یک شعاع است که از خداوند به عالم می‌تابد و از طریق آن، حقیقت وجودی و صفات الهی به مخلوقات معرفی می‌شود.» (ابن عربی، ۱۹۰۰م، ج ۲، ص. ۱۸۹).

- تنزیه: با این حال، ابن عربی تأکید دارد که نور به‌عنوان یک تشبیه نمی‌تواند به‌طور کامل حقیقت الهی را بازنمایی کند. نور صرفاً نمادی از آن حقیقت است و خداوند از هرگونه تشبیه و توصیف انسانی فراتر است. از این منظر، نور الهی درحالی‌که می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای درک و شناخت در نظر گرفته شود، نمی‌تواند ذات الهی را به‌طور کامل بیان کند. او در *فصوص الحکم* می‌نویسد: «خداوند از هرگونه محدودیت و تشبیه به دور است. نور، تنها تجلی‌ای از حقیقت مطلق است و نمی‌تواند به‌طور کامل ماهیت الهی را در بر بگیرد.» (ابن عربی، ۱۹۸۲م، ص ۱۱۵).

مراتب نور از منظر ابن عربی

ابن عربی در آثار خود، به‌ویژه در کتاب‌های *فتوحات مکیه* و *فصوص الحکم*، مراتب نور را به سه دسته اصلی تقسیم کرده است: نور مطلق، نور صفات، و نور افعال. این مراتب به‌عنوان بخشی از نظریه وحدت وجود او مورد بحث قرار می‌گیرند. هر یک از این مراتب نمایانگر جنبه‌ای از تجلی الهی در عالم است. در ادامه به شرح این مراتب با استناد به آثار ابن عربی می‌پردازیم:

۱. نور مطلق (نور ذات)

نور مطلق، نوری است که به ذات الهی تعلق دارد و هیچ‌گونه تعیین و تجلی ندارد. این نور، اصل و اساس همه نورهاست و در عین حال فراسوی هرگونه توصیف و شناخت بشری قرار دارد. نور مطلق در حقیقت همان نور خداوند است که در ذات خود نهفته است و هیچ موجودی نمی‌تواند به آن دست یابد یا آن را به صورت کامل

مساجد نسبت داد. این تطبیق نشان می‌دهد که چگونه معماران اسلامی با استفاده از نور در فضای مسجد، به نوعی به تجلی الهی در معماری پاسخ داده‌اند.

کارکرد نور در مسجد شیخ لطف‌الله

معماری قدیم ایران پیرو اصول هستی‌شناختی و باوری بوده که در مکان به آنها تجسم بخشیده است و در روند بهره‌وری تجربه و ادراک می‌شدند. بر همین اساس معماری‌ای شکل گرفته که به عنوان مکان زندگی آیینی مبتنی بر باورهای ایرانی ساخته می‌شوند. مکان تجربه عینی و تحقق درک معانی می‌شود که نیروهای بیرونی و درونی (عوامل سازنده معماری) سبب‌ساز برپایی آن شده‌اند. سرچشمه عنایت به وجود نور در معماری ایران نه تنها به عوامل اقلیمی، جغرافیایی مربوط است بلکه نور به عنوان عنصری چند نقشی در جنبه‌های متفاوت زندگی از ارزش حیاتی آن تا جایگاه ویژه آن در باورهای ایرانی؛ باورهای رایج و فعال در طول هزاره‌ها در سرزمین ایران، منشأ توجهی همه‌جانبه بوده است. به گفته نصر: «فضای معماری اسلامی، فضای کمی هندسه دکارتی نیست؛ بلکه فضای کیفی مرتبط با هندسه قدسی است که به واسطه حضور امر قدسی انتظام پیدا می‌کند» (مدقالچی و دیگران ۱۳۹۵، ص. ۵۳، به نقل از نصر، ۱۹۹۶، ص. ۲).

بنا بر باور ایرانی اسلامی حضور نور در فضای معماری بیان حضور الهی محسوب می‌شود و در مساجد به عنوان مکان مقدس تجلی حقیقت بهترین کوشش‌ها در نمایانی این بیان به واسطه نوع حضور نور صورت پذیرفته است. مساجد ایرانی، در قالب کالبد و هم در قالب فضا، عرضه حضور نور است. معمار در بنای مذهبی مساجد، که مکان حضور بخشی و تأکید بر حضور حقیقت ذات الهی و اصل وحدت وجود است، نور را که صریح‌ترین، گویاترین، آشناترین عامل حضور بخشی اثر معماری است را متناسب با علت وجودی آن بنا می‌کند. تا به وسیله الگوهای متفاوت نورپردازی از طریق ورود و حضور نور فضایی رمزآلود و حال و هوای روحانی خلق کند. به گفته نصر «نور نه فقط به مثابه عنصری مادی بل همچون نمادی از عقل الهی و همچنین وجود نور جوهر معنوی است که به درون غلظت ماده نفوذ کرده و آن را تبدیل به صورتی شریف و شایسته می‌سازد که مناسب محل زندگی نفس آدمی است. نفس جوهرش درعین حال ریشه در عالم نور دارد- عالمی که چیزی جز عالم روح نیست» (بلخاری، ۱۳۸۵، ص. ۳۸۳). استفاده از نورپردازی خاص و ویژه در معماری مساجد ایران به گونه‌ای است که به خلق فضایی رمزآلود و حال و هوایی روحانی کمک می‌کند. که با توجه به فرقه‌های مختلف این نور معنی متفاوتی به خود می‌گیرد. در مذهب سنی با نگاهی تزیینی انتساب این نور فقط به خدا و در مذهب شیعه

درک کند (۵۳۷). ابن عربی در *فصوص الحکم* به تفصیل در مورد نور مطلق سخن می‌گوید و آن را به عنوان نوری که تنها به ذات الهی اختصاص دارد و هیچ شریکی در آن ندارد، معرفی می‌کند. نور صفات به نوری اشاره دارد که از اسماء و صفات الهی ناشی می‌شود. این نور، به نوعی تجلی نور مطلق است که از طریق صفات خداوندی به عالم و موجودات ساری و جاری می‌شود. هر یک از اسماء الهی مانند رحمان، رحیم، حکیم، و غیره، تجلیاتی از نور صفات هستند که در عالم پدیدار می‌شوند و جهان را روشن می‌کنند. در «فتوحات مکیه»، ابن عربی توضیح می‌دهد که نور صفات از طریق اسماء الهی در جهان جاری می‌شود و همه موجودات از این نور بهره‌مند می‌شوند. او معتقد است که نور صفات به عنوان واسطه‌ای میان نور مطلق و نور افعال عمل می‌کند (ابن عربی، ۱۳۸۵، جلد ۲، ص. ۹۷-۹۸).

۲. نور صفات (نور الأسماء)

این نور تجلی صفات الهی است، مانند قدرت، علم، حیات، اراده، و دیگر صفات کمالی. نور صفاتی نشان‌دهنده قدرت و توانمندی خداوند است که در عالم به واسطه صفات او ظهور می‌یابد. هر صفت الهی نوری دارد که در عوالم مختلف تجلی پیدا می‌کند و بازتابی از نور ذاتی الهی است، اما با توجه به ویژگی‌های خاص هر صفت متجلی می‌شود (ابن عربی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۷-۱۳۰).

۳. نور افعال (نور الأعمال)

نور افعال نوری است که از افعال و کارهای الهی نشئت می‌گیرد. این نور، به معنای تجلی نهایی نور خداوند در جهان مادی و در پدیده‌های طبیعی و اعمال موجودات است. نور افعال نمایانگر قدرت و اراده الهی است که در عالم محسوس قابل مشاهده است و به واسطه آن، نور الهی به صورت عملی و ملموس در جهان تجلی می‌کند. ابن عربی در «فتوحات مکیه» بیان می‌کند که نور افعال، آخرین مرتبه از مراتب نور است که در جهان ظهور می‌کند و به واسطه آن، خداوند در اعمال و حوادث طبیعی جهان تجلی می‌یابد. این نور از طریق اعمال انسان‌ها و پدیده‌های طبیعی قابل مشاهده است (ابن عربی، ۱۳۸۵، جلد ۹، ص. ۳۶۶-۳۷۳؛ عثمان یحیی، ۱۳۶۷، ص. ۲۳-۱۹).

این مراتب سه‌گانه نور در آثار ابن عربی نشان‌دهنده چگونگی تجلی نور الهی از ذات خداوند تا اعمال و پدیده‌های مادی در جهان است. این مراتب همچنین نقش مهمی در فهم نظریه وحدت وجود و تجلیات الهی در جهان از دیدگاه ابن عربی دارند. در تطبیق مراتب نور از دیدگاه ابن عربی با نورپردازی در معماری مساجد اسلامی، می‌توان این سه مرتبه نور (نور مطلق، نور صفات، و نور افعال) را به جنبه‌های مختلف نور در فضای

جدول ۱. کارکرد نور بر اساس مفاهیم قدسی در مساجد. مأخذ: نگارندگان.				
مراتب ادراک	نمود مفاهیم قدسی بر اساس کارکرد نور در مساجد ایران		مفاهیم قدسی	
	حضور نور	ورود نور		
ادراک ذهنی (دریافت با حواس)	حداکثر فاخریت، حداکثر تزئینات، حداکثر تنوع رنگی، حداکثر مصالح فاخر	نورپردازی معناگرا	اشاره صورت به صورت	تشبیه (نشانه)
ادراک عقلی از معنای فضا (دریافت با زبان رمز و اشاره)	تعادل و انسجام در کاربرد مصالح، رنگ و تزئینات	نورپردازی رمزگرا	اشاره صورت به مفهوم	تشبیه- تنزیه (نماد)
ادراک ذهنی (دریافت با تفکر)	حداقل فاخریت، حداقل تزئینات، حداقل کاربرد رنگ، استفاده از مصالح ساده	نورپردازی کارکردی	عاری از اشاره به صورت	تنزیه (آیه)

عناصر کالبدی و تزئینی به کار می‌روند تا محتوای معنوی را بهتر منتقل کنند (حمزه‌نژاد، ۱۳۹۳، ص. ۸۴).

با نگاهی آمیخته از وجه تنزیهی و تشبیهی به خدا، پیامبر و ائمه اطهار، علیهم‌السلام بوده است (سعادت جو، ۱۳۹۴).

۲. تشبیه و تنزیه حق با نور در نورپردازی مساجد اسلامی در طراحی و نورپردازی مساجد اسلامی، این دو جنبه (تشبیه و تنزیه) به شکل زیر پیاده‌سازی می‌شود:

تشبیه و تنزیه حق با نور از دیدگاه ابن عربی در مساجد اسلامی تشبیه و تنزیه حق با نور در مساجد اسلامی از دیدگاه ابن عربی، هم به جنبه‌های معنوی و عرفانی مربوط می‌شود و هم به تأثیر آن بر معماری و هنر اسلامی. ابن عربی، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین عارفان اسلامی، مفهوم نور را به‌عنوان نماد و تجلی حقیقت الهی در نظر می‌گیرد. در این راستا، نور به‌طور گسترده‌ای در طراحی و نورپردازی مساجد اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا به نماد تشبیه و تنزیه الهی تبدیل شود.

تشبیه در نورپردازی
- نور طبیعی و مصنوعی: استفاده از نور طبیعی و مصنوعی در مساجد به‌عنوان نمادی از نور الهی و تجلی آن در عالم است. طراحی‌های خاصی مانند پنجره‌های مشبک، شیشه‌های رنگی و لوسترهای زیبا، به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که به نمایش زیبایی و حضور الهی کمک کنند.

برای ورود به بحث تشبیه و تنزیه در نورپردازی مساجد اسلامی در ایران به‌ویژه مسجد شیخ لطف‌الله لازم است با مفاهیم نشانه، آیه و نماد آشنا شویم.

- قندیل‌ها و چراغ‌ها: قندیل‌ها و چراغ‌های بزرگ که در مساجد نصب می‌شوند، به‌عنوان نمادی از نور معرفت الهی و تجلیات آن در فضای عبادت مورد استفاده قرار می‌گیرند. این عناصر نورانی نمایانگر درخشندگی و زیبایی الهی هستند.

نشانه‌ها در معماری معمولاً به جنبه‌های صوری و کالبدی اشاره دارند و به تشبیه (شباهت‌سازی میان حق و خلق) دلالت می‌کنند. این عناصر، مانند نور، تزئینات و دیگر ویژگی‌های کالبدی، به‌طور مختصر به مفاهیم و محتوا اشاره می‌کنند (نقره‌کار، ۱۳۷۸، ص. ۵۹۵). بیان آیه‌ای در معماری می‌تواند فضایی در مساجد ایجاد کند که حضور ذهن مخاطب را تقویت کرده و او را به تنزیه الهی و دوری از هرگونه مشابهت دعوت می‌کند. این نوع طراحی با استفاده از کمترین میزان تزئینات و روشنایی، به‌سادگی و مفهوم‌گرایی توجه دارد و از شبیه‌سازی اجتناب می‌کند. نماد به‌عنوان وسیله‌ای برای تجسم معنوی، چیزی را که به‌راحتی قابل درک نیست، به شکل قابل مشاهده‌ای تبدیل می‌کند. نمادها به انتقال مفاهیم متعالی که به‌سختی با روش‌های دیگر قابل انتقال هستند، کمک می‌کنند (گروتر، ۱۳۸۶، ص. ۵۱۳؛ گنون، ۲۰۰۱، ص. ۵۵). نمادها که ترکیبی از جنبه‌های تشبیهی و تنزیهی هستند، به دنبال انتقال معانی معنوی و معرفت‌بخش هستند. در این فرآیند،

تنزیه در نورپردازی
- ساده‌گرایی و اجتناب از تجمل: در برخی مساجد، طراحی نورپردازی به‌گونه‌ای انجام می‌شود که از تجمل و زرق‌وبرق اجتناب کند، تا تأکید بر سادگی و عبودیت در فضای عبادت حفظ شود. این نوع طراحی به‌گونه‌ای است که نور را به‌عنوان یک نماد از حضور و تأثیر الهی به‌صورت ساده و بدون اغراق نمایش دهد.
- پرهیز از تشبیه‌های مادی: در طراحی نورپردازی مساجد، پرهیز از استفاده از تصاویری که ممکن است به‌نوعی به تشبیه‌های مادی از خداوند بینجامد، مدنظر قرار می‌گیرد. نور به‌عنوان یک نماد عرفانی و معنوی باقی می‌ماند و از هرگونه انتساب مادی به ذات الهی دور می‌شود.

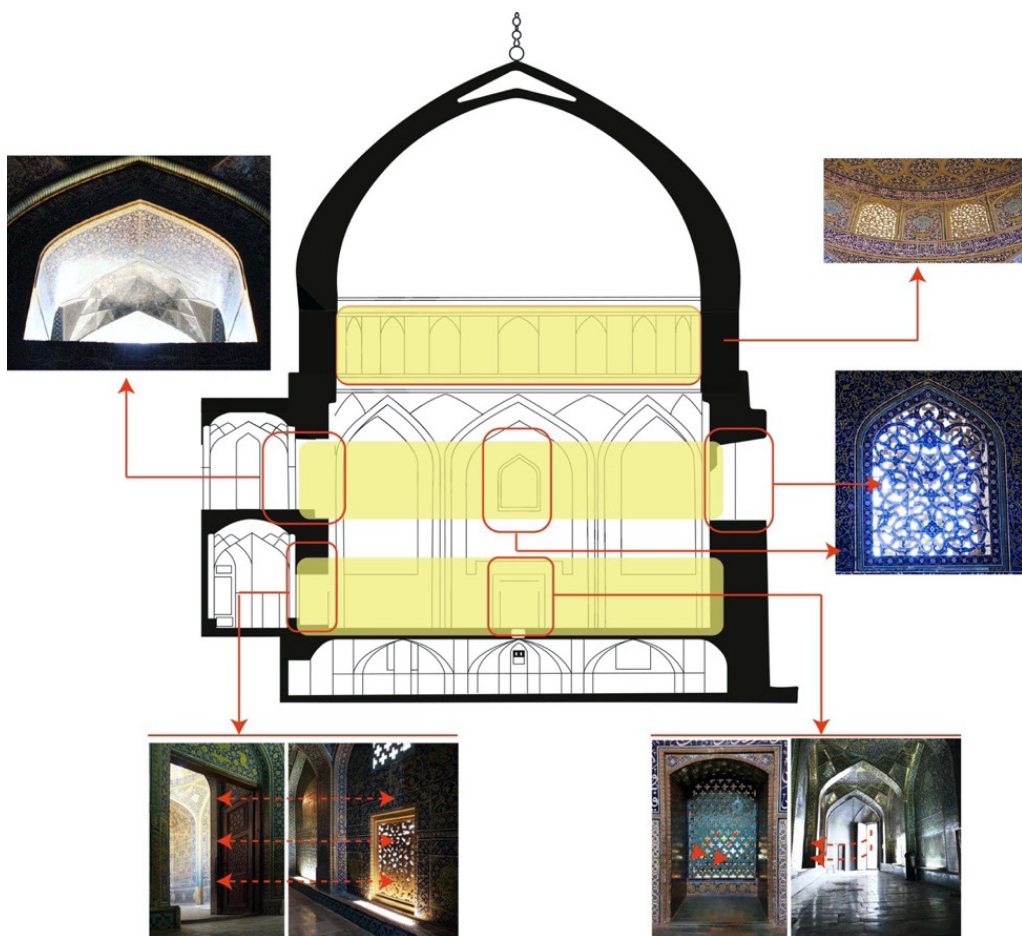
لطف‌الله

۱. نور مطلق (نور ذات) و مرکزیت گنبد

- تطبیق: نور مطلق، که در اندیشه ابن عربی نمایانگر ذات الهی است و در فراسوی هرگونه درک و شناخت قرار دارد، در معماری مسجد با نور مرکزی که از بالای گنبد به فضای داخلی مسجد می‌تابد، تطبیق می‌یابد. این نور که اغلب از طریق یک پنجره یا روزنه مرکزی در بالای گنبد به درون مسجد می‌تابد، به عنوان نوری مقدس و بی‌واسطه درک می‌شود که از فراسوی آسمان به فضای داخلی می‌تابد. این نور می‌تواند تمثیلی از نور مطلق باشد که به مثابه ذات خداوند، فراسوی هرگونه توصیف و شناخت قرار دارد. در مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، نور مرکزی که از گنبد به داخل مسجد تابیده می‌شود، به‌گونه‌ای طراحی شده است که فضا را به صورت یکسان و بی‌واسطه روشن می‌کند، و حس حضور مستقیم و مقدس الهی را در فضای مسجد تداعی می‌کند.

معمار مسلمان با نگاهی تشبیهی به طراحی فضای مسجد، این مکان را محل تجلی انوار الهی و نمادی از مظاهر حق سبحانه می‌نگرد. نور، زیبایی، و هماهنگی در طراحی به‌گونه‌ای است که حس تجلی الهی و حضور خداوند را به نمایش بگذارد. این طراحی باید به‌گونه‌ای باشد که عبادت‌کنندگان بتوانند از طریق آن به معنای عمیق‌تر از حقیقت الهی نزدیک شوند. و با نگرش تنزیهی، معمار باید به‌طور مداوم به یاد داشته باشد که هیچ‌گونه تجسیم یا محدودیتی برای ذات الهی وجود ندارد. طراحی باید از هرگونه مادی‌گرایی و تشبیه مستقیم به خداوند دور باشد. استفاده از نمادها و تجلیات باید به‌گونه‌ای باشد که از تجسیم و محدودیت الهی پرهیز کند و تنها به‌عنوان نشانه‌ای از حقیقت مطلق الهی عمل کند.

تطبیق مراتب نور از منظر ابن عربی و نورپردازی مسجد شیخ



تصویر ۱. مراتب ورود و حضور نور در مسجد شیخ لطف‌الله. مأخذ: نگارنده.

را تداعی می‌کند و وجود نور علت موجودیت رانشان می‌دهد. نور علاوه بر پدیداری کالبد مسبب پدیداری اساس حقیقت می‌شود. حقیقتی که ورای کالبد وجود دارد. نور با چگونگی حضور خود در گنبدخانه، نقش‌پردازی ایفا می‌کند و فضا را با پرداخت اجزا توسط نور تعریف می‌کند.

۲. نور صفات (نور الأسماء) و نورپردازی جانبی

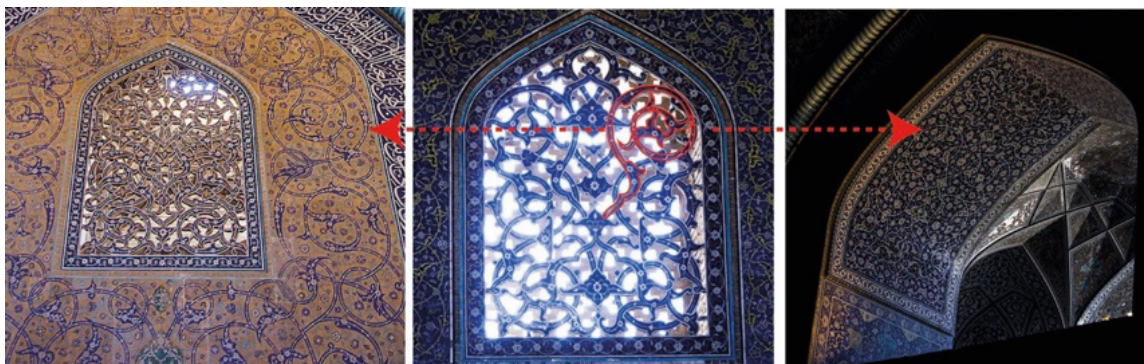
– تطبیق: نور صفات که از اسماء و صفات الهی نشئت می‌گیرد و در جهان کثرت جاری است، در معماری مسجد با نورپردازی‌هایی که از طریق پنجره‌ها، شیشه‌های رنگی، و منافذ جانبی وارد مسجد می‌شود، تطبیق می‌یابد. این نورها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که فضای مسجد را به شکلی متوازن و هماهنگ روشن کنند، و نمایانگر تجلی صفات و اسماء الهی در جهان محسوس باشند. در مسجد شیخ لطف‌الله از طریق پنجره‌ها و منافذ جانبی که نور را به صورت فیلتر شده و منعکس شده وارد فضا می‌کند، نمایان می‌شود. و تزئینات هنری مانند کاشی‌کاری‌های زیبا و منقوش، و همچنین طراحی‌های هندسی، با استفاده از نور برای ایجاد جلوه‌های بصری خاص طراحی شده‌اند. این نورها که از طریق پنجره‌ها و کاشی‌کاری‌های نفیس به درون مسجد می‌تابند، و نقش‌های تزئینی که با نور ترکیب می‌شوند، همچون صفات الهی، تنوع و گوناگونی را به فضای مسجد می‌آورند و به‌نوعی تداعی‌کننده تجلیات مختلف صفات الهی در عالم کثرت است. (تصویر ۲).

۳. نور افعال (نور الأعمال) و نورهای متحرک و دگرگون‌شونده

– تطبیق: نور افعال که در اندیشه ابن عربی به تجلی الهی در اعمال و پدیده‌های مادی جهان اشاره دارد، در معماری مسجد با نورهایی که به شکل متحرک و با تغییرات محیطی وارد فضا می‌شوند، تطبیق می‌یابد. در مسجد شیخ لطف‌الله از طریق نورهایی که بسته به حرکت خورشید در طول روز تغییر مکان می‌دهند، متجلی می‌شود. این نورها که از مشبک‌های دیوارها و پنجره‌های

توزیع مدخل‌های نوری در گنبدخانه مسجد شیخ لطف‌الله صورت متفاوتی از مشارکت انواع روزنه‌ها به‌منظور حضور بخشی به نور را در فضا نمود بخشیده‌اند. نور در این فضا در سه سطح امکان ورود و حضور به درون را پیدا می‌کند. در بالاترین سطح، نور با مشارکت شانزده مدخل همسان در ساقه گنبد وارد می‌شود و امکان پراکندگی بیشتر شعاع‌های نوری را سبب می‌شوند و فضایی را با روشنایی یکنواخت و مالا مال از نور به یاری سطح صیقلی درون گنبدخانه پدید می‌آورند. در سطح میانی چهار مشبک، در چهارسوی مقابل یکدیگر، هر یک به شیوه‌ای خاص در تعریف مکان و نیز به حضور رسانی نور به‌طور ویژه مشارکت دارند. در این میان شبک بالای محراب از ویژگی منحصر به فردی برخوردار می‌باشد. نورگیر بالای محراب بیانگر مکان متعال و جایگاه قیمیت و قداست است؛ جایی که بیننده در بدو ورود با آن مواجه می‌شود و از لحاظ بصری می‌تواند بیشترین تأثیر را در وی داشته باشد. دو مدخل نوری در دو سوی جبهه قبله، ضمن تأمین روشنایی تأثیرات نوری ویژه‌ای را بر زیر گنبدخانه پدید می‌آورند. درخشش ویژه زیر گنبد، تأثیر زیباشناختی و پویایی کالبد؛ فراهم‌سازی نور تأکیدی و بدون تغییر بر محراب؛ مشارکت دائم در تأمین روشنایی شبستان زمستانی از طریق نورگیرهای مشبک تعبیه‌شده بر کف گنبدخانه؛ و مهیا کردن نور دالان طبقه دوم، نقش چند سویه مدخل تک جبهه شمالی را آشکار می‌سازد. در سومین و درهمین حال پایین‌ترین سطح ورود نور و نیز شبک‌ها در ارتفاع دید انسان حضور نور به درون را سبب می‌شوند که این حضور رسانی به‌وسیله منبع نورهای ثانویه صورت می‌پذیرد (تصویر ۱).

به‌طور کلی نور از حیث مقام بیانگری در این معماری این دوره، «نشان» از اصل نور، نورالانوار دارد. آنچه از نور در این معماری به احساس و ادراک درمی‌آید آیتی از حضور آن است. به‌طور کلی در گنبدخانه مسجد شیخ لطف‌الله، نور به مکان امتیاز هست شدن می‌دهد و معماری را مکان یادآوری حقیقت هستی و دربردارنده رمزهای هستی‌شناختی می‌کند. حضور نور در اثر معماری وجود



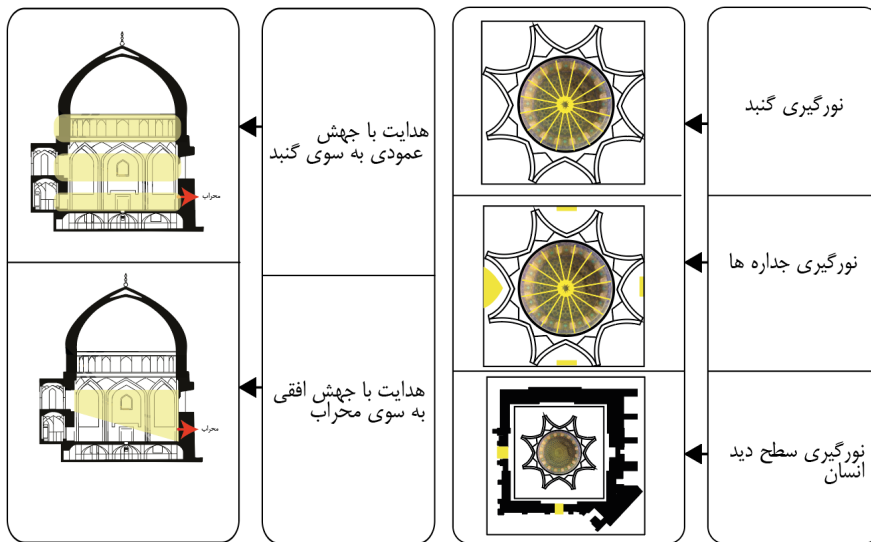
تصویر ۲: همخوانی نقوش مشبک‌ها و نقوش کاشی‌کاری مسجد شیخ لطف‌الله. مآخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

ابن عربی در تفسیر آیه نور، نور را به عنوان جوهره وجودی خداوند و ابزار اصلی شناخت الهی معرفی می‌کند. نور الهی در این آیه هم حقیقت وجودی همه موجودات را بیان می‌کند و هم راهنمایی برای دستیابی به معرفت و شناخت خداوند است. این نور، هم به‌عنوان نمادی از حضور خداوند در عالم (تشبیه) و هم به‌عنوان بیانی از فراتر بودن خداوند از هرگونه تشبیه (تنزیه) عمل می‌کند. تفسیر ابن عربی از آیه نور، به‌عنوان یک تحلیل جامع عرفانی و فلسفی، تأکید بر وحدت وجود و اهمیت معرفت شهودی در شناخت خداوند دارد. او در آثارش بارها به این پیوند اشاره می‌کند که نور الهی هم بیانگر وحدت وجود و هم راهنمایی برای دستیابی به معرفت الهی است.

تعادل اندیشه تشبیهی و تنزیهی را می‌توان به‌طور جامع و کامل در معماری مساجد دوره صفوی به‌ویژه مسجد شیخ لطف‌الله جست‌وجو نمود. جایی که فضای تهی منفی به همراه فضای مثبت محسوس تعریف شده است. فضایی پویا و اتصالی و انتقالی عروج به سوی ذات حق (نور مطلق) را می‌توان به‌صورت ذهنی و عینی ادراک و مشاهده کرد. در طراحی گنبدخانه مسجد شیخ لطف‌الله، مفهوم نور به‌عنوان اسم باطن و نور مجرد، به‌وسیله نور طبیعی به داخل فضای مسجد منتقل می‌شود. نور طبیعی از طریق پنجره‌های کوچک و مشبک وارد می‌شود که این نور به‌صورت ملایم و یکنواخت فضای داخلی را روشن می‌کند. این نور به‌گونه‌ای طراحی شده است که نمایانگر تجلی نور مطلق الهی

جانبی وارد فضا می‌شوند، به‌مرور زمان تغییر می‌کنند و فضایی از پویایی و حرکت را در مسجد ایجاد می‌کنند. این تغییرات نوری که با حرکت خورشید به‌صورت تدریجی در فضای مسجد اتفاق می‌افتد، نمایانگر تجلیات پویای الهی در جهان است که به‌طور دائم در حال تغییر و تحول است. نور در این معماری ابزار تعیین جهت مقدس به شمار می‌رود. حرکت که همواره با موضوع «سوی» در «اثربخشی به فضا» و نیز «اثرپذیری از کالبد» نقش دارد، به‌دو شیوه صورت می‌پذیرد، نخست، از طریق نور تأکیدی بر اجزا و راستای خاص با مدخل تعریف شده در جهت‌های خاص در تناظر با راستای نیایش (قبله) و راستای ورود به فضا؛ و دوم، توزیع یکنواخت نور در فضا از طریق واردکردن نور از حداکثر جهات ممکن (ماهوش، ۱۳۹۳، ۲۹۲). جهت تابش و میزان تابش در گنبدخانه نشان‌دهنده فضای سلسله‌مراتبی است. طی طریق از ماده آغاز می‌گردد و به معنا نیل می‌نماید و لذا قابل شهود بودن حوزه مادی برای طی مراتب بالاتر، به‌عنوان آغاز مسیر هدایت از ظاهر به باطن، وجود سلسله‌مراتب را در ذهن مخاطب تشدید نموده و نمودی از هدایت به مراتب بالاتر را متجلی می‌نماید. در مساجد این سبک، ترفندهای مختلف برای تقویت قدرت خیال‌پردازی استفاده شده است. ترکیب تاریکی و روشنایی، ترکیب نور و تزئینات مساجد، به‌جای اینکه ذهن را به بند بکشد، به جهانی خیالی رهنمون می‌سازد و قالب‌های ذهنی را درهم‌شکسته و انسان را به روشنایی دنیایی و تجلی حق می‌کشاند (پیروزر و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۳۳۸) (تصویر ۳).



اشاره کرده در پژوهش حاضر از آنها بهره برده ایم؛ نمونه اول: محمود غراب، تفسیرها و تأویل‌های ابن عربی را از آثار وی گردآوری کرده و با عنوان رحمه من الرحمن فی تفسیر و الشارات قرآن در چهار جلد منتشر کرده است (۱۴۱۰ق). نمونه دوم: سعادلحکیم در معجم الصوفی در ذیل هر مدخلی از جمله مدخل نور آرای ابن عربی را همراه با تحلیل و ارجاع به مآخذ وی گزارش می‌کند.

۴. سُبُوح به این معنی است که ذات حق از هر وصف و قیدی منزّه می‌باشد، به دیگر سخن سُبُوح غایت تنزیه حق از هر گونه نقص و عیب است (ابن عربی، ۱۳۷۳، ص. ۶۶).

۵. «لان ذاته من حیث هی هی لا یمكن ان تری و الرویه انما یحصل عندالتنزل و التنجلی بما یکن ان یری».

۶. «فهو من حیث هو مقدس عن النعوت و الاسما لاعت له و لا رسم و لا اسم...».

۷. «و اما الذات الالهیه فحار فیها جمیع الانبیاء و اولیاء».

۸. «هُوَ الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علم» قرآن کریم، حدید/۳۱.

فهرست منابع

ابن عربی، م. (۱۳۷۰). *الفتوحات المکیه* (ترجمه محمد خواجوی). تهران: انتشارات مولی.

----- (۱۳۷۳). *فصوص الحکم (التعلیقات علیه ابوالعلاء عقیلی)*. بیروت: دارالکتب العربی.

----- (۱۹۰۰). *الفتوحات المکیه*. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.

----- (۱۹۸۲). *فصوص الحکم (ترجمه و شرح ع. قیصری)*. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.

----- (۱۳۸۵). *فتوحات مکیه*. ترجمه محمد خواجوی، جلد ۹ و ۱۰. تهران: مولا.

اردلان، ن. و بخشی، ل. (۱۳۹۰). *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی* (ترجمه حمید شاهرخ). اصفهان: انتشارات خاک.

بلخاری قهی، ح. (۱۳۸۵). *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

بنی اردلان، ا. (۱۳۹۱). *کتاب مجال آه*. تهران: انتشارات سوره.

پازوکی، ش. (۱۳۹۲). *حکمت هنر و زیبایی در اسلام*. تهران: شادرنگ.

پهلوان، ا. (۱۳۹۴). *بررسی تشبیه و تنزیه در هنر اسلامی با تکیه بر آراء ابن عربی و ملاصدرا در باب خیال، رساله دکتری*. دانشگاه باقرالعلوم^(۲).

پیروزفر، پ. و پناهیان پور، ف. (۱۳۹۶). *حکمت هنر اسلامی*. تهران: انتشارات پایا.

تستری، س. ب. ع. (۱۴۱۲ق). *تفسیر التستری (تحقیق محمد باسل عیون سود)*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

جهانگیری، م. (۱۳۷۵). *محبی‌الدین ابن عربی: چهره برجسته عرفان اسلامی* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات کلههر.

چیتیک، و. (۱۳۸۹). *درآمدی بر عرفان و تصوف اسلامی* (ترجمه جلیل پروین). تهران: انتشارات حکمت.

خوارزمی، ت. ح. (۱۳۶۸). *شرح فصوص الحکم*. تهران: انتشارات مولی.

سعادت جو، پ.، حمزه نژاد، م.، و نقره کار، ع. (۱۳۹۳). *تحلیلی بر سیر مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی*. شهر ایرانی اسلامی، (۱۳)، ۱۵-۳۰.

طبری، م. ب. ج. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه. قراملکی، ف. و کتابچی، ف. س. (۱۳۹۸). *تحلیل دیدگاه ابن عربی در اطلاق نور بر خدا*. پژوهشنامه عرفان، (۲۱)۱۱، ۱۲۷-۱۴۳.

و ذات واحد خداوند است. این نور، به‌ویژه در گنبدخانه، به‌طور غیرمستقیم حس یگانگی و وحدت ذات الهی را منتقل می‌کند و به فضای داخلی مسجد عمق معنوی می‌بخشد. نور به‌عنوان تجلی اسما و صفات الهی در گنبدخانه طراحی شده است. طراحی‌های هندسی، رنگ‌ها، و تزئینات با استفاده از نور، به‌ویژه در سطوح و رنگ‌های مختلف، به‌گونه‌ای است که نمایانگر تجلی کثرت اسما و صفات الهی است. استفاده از نور در تزئینات هنری مانند کاشی‌کاری و نقش‌های هندسی در گنبدخانه، تجلی صفات الهی و زیبایی‌های متعالی را نمایش می‌دهد. نور به‌عنوان بخشی از طراحی هنری و معماری، به تجلی ویژگی‌های الهی و کثرت اسما و صفات پرداخته است. نور در این فضا به‌طور هم‌زمان نمایانگر نور مطلق و تجلی اسم ظاهر الهی است. این نور نه تنها به تجلی و نمایش صفات و ویژگی‌های الهی کمک می‌کند، بلکه با حرکت از مراتب حسی به مراتب متافیزیکی، فضای مسجد را به‌طور معنوی و روحانی غنی می‌سازد. نور در این مسیر به‌عنوان راهی برای حرکت از تاریکی به سوی نور، از شناخت حس به سوی شناخت عقل و از عالم ناسوت به سوی لاهوت، عمل می‌کند.

در مسجد شیخ لطف‌الله، معماران به‌گونه‌ای هنرمندانه از نور استفاده کرده‌اند که هر یک از مراتب نور در نظریه ابن عربی به‌نوعی در فضای مسجد تجلی یابد. نور مطلق با نور مرکزی گنبد، نور صفات با نورهای رنگی و متنوعی که از پنجره‌ها و کاشی‌کاری‌ها عبور می‌کند، و نور افعال با نورهای متحرکی که در طول روز تغییر مکان می‌دهند، تطبیق داده شده است. طراحی نور در گنبدخانه مسجد شیخ لطف‌الله نمونه‌ای از تطبیق اصول ابن عربی با هنر و معماری اسلامی است که به ایجاد فضایی سراسر معنوی و شایسته برای ادراک حقیقت الهی کمک می‌کند. این تطبیق، نشان‌دهنده ارتباط عمیق میان عرفان و معماری اسلامی است که در آن نور به‌عنوان نمادی از حضور و تجلی الهی به کار رفته است.

پی‌نوشت

۱. تنزیه را دو گونه می‌دانند: نخست تنزیه تسبیحی که عبارت از نفی هر گونه نقص و صفت عدمی از ذات حق است. دوم تنزیه تقدیسی که عبارت است از نفی هر گونه کمال محدود از ذات حق تعالی (رحیمیان، ۱۳۷۴، ص. ۱۰۸).

۲. این آیات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست آیاتی که به تنزیه مطلق و تام ذات و صفات خداوند از ذات و صفات مخلوقات می‌پردازد، نظیر: «لا اله الا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا یُشْرکُونَ» (توبه: ۳۱) و «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ» (مومنون: ۹۱؛ صفات: ۱۹۵). دوم آیاتی که به تشبیه میان ذات و صفات مخلوقات اشاره دارد. این آیات دلالت بر آن دارند که خداوند می‌بیند، می‌شنود، حرف می‌زند و پا دست توانای خویش می‌فرماید و بر عرش تکیه می‌زند، آیاتی نظیر: «وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیر» (شورا: ۱۱) و «یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أیدیهِمْ» (فتح: ۱۰) از این دسته اند. و هم آیاتی (در جمع بین تنزیه و تشبیه) را که این قسم اخیر مربوط به اهل الله و اهل معرفت به حق است و آن کس که کامل است منشأ و مصدر هریک از این اعتقادات را دریافته است. (ابن عربی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص. ۲۱۹).

۳. دیدگاه ابن عربی در باب تفسیر آیه نور در بسیاری از آثارش بصورت پراکنده بیان شده است از این رو عده‌ای آن‌ها را گردآوری کرده اند. در این میان می‌توان به دو نمونه

- گروتز، ی. (۱۳۸۶). زیباشناسی در معماری (ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گنون، ر. (۱۳۸۱). معانی نمادین گنبد (ترجمه فرزین فردانش). خیال، (۴). طباطبائی، م. (۱۳۷۰). تفسیر المیزان (جلدهای ۱۲ و ۱۵، چاپ پنجم). قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- ماهوش، م. (۱۳۹۳). نور در معماری قدیم ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مدقالچی، لیلا، و دیگران. ۱۳۹۵. تفکر تعقلی شیعی و تأثیر آن در معماری منظر دوره صفویه. فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، ۶(۲): ۴۸-۵۹.
- نصر، س. ح. (۱۳۸۳). آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام (ترجمه شهاب‌الدین عباسی). تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نقره‌کار، ع. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی و معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت طرح و نشر پیام سیما.



دوفصلنامه رهپویه حکمت هنر با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



Light and Its Manifestations in Sheikh Lotfollah Mosque: Explanation of Ibn Arabi's Views

Somayeh Arezoufar¹

Type of article: original research

Receive Date: 15 - 8 - 2024, Accept Date: 20 - 9 - 2024

DOI: 10.22034/RPH.2024.2038030.1068

Extended abstract

The concepts of similitude and transcendence in Islamic theology are fundamental and challenging topics that have been the focus of philosophers, theologians, and mystics throughout Islamic history. These concepts pertain to how God is described through divine names and attributes and the interpretation of the relationship between the multiplicity of the world and the essential unity of the divine. Similitude involves making God comparable to creation, which, if taken to extremes, may lead to restriction of the concept of divinity. Conversely, transcendence involves keeping God free from any resemblance to human attributes, which, if pursued without limits, can render the understanding of divinity obscure and inaccessible.

The balance between these two approaches has always been a challenge in Islamic thought, and understanding this balance is crucial for a more precise appreciation of Islamic art. Islamic art, shaped by Islamic philosophy and mysticism, strives to find a way to express the divine truth without falling into extreme similitude or transcendence. Among the prominent Islamic mystics, Ibn Arabi has provided a balanced perspective on similitude and transcendence, attempting to harmonize and integrate these concepts. According to Ibn Arabi, a complete understanding of divinity and Islamic art depends on the synthesis and balance between these approaches. He believes that excess in either direction can lead to misguidance and a limited understanding of divine truth. Therefore, Islamic art, in its perfection, is an effort to create a balance between similitude and transcendence. Instead of a direct imitation of nature, it utilizes elements like light in such a way that reflects profound mystical concepts without falling into the extremes of similitude or transcendence.

Light, as one of the primary elements in Islamic architecture, has always played a role beyond mere aesthetic considerations, serving as a symbol of divine presence and manifestations in the material world. The Sheikh Lotfollah Mosque, one of the most outstanding examples of Safavid architecture, especially in terms of light usage is considered a masterpiece. With its unique

1. Assistant Professor, the Visual Communication Department, Faculty of Arts, Shahed University, Tehran, Iran. Email: s.arezoufar@shahed.ac.ir

lighting design, this mosque not only creates a beautiful and enchanting space but also artistically displays profound mystical concepts.

Ibn Arabi, a major Islamic mystic, pays special attention to the notion of absolute light as the manifestation of the divine essence. He interprets light not only as a physical phenomenon but as a symbol of divine truth appearing in the world. In this context, the Sheikh Lotfollah Mosque, through its use of light, symbolically refers to these divine manifestations, establishing a connection between Islamic art and mysticism.

Although the architecture of the Sheikh Lotfollah Mosque has been extensively studied from aesthetic and historical perspectives, research specifically addressing the connection between the mosque's lighting design and mystical concepts is relatively scarce. This study explores the relationship between lighting design in the Sheikh Lotfollah Mosque and the notions of absolute light and divine manifestations in Ibn Arabi's mysticism. The primary questions are: How are absolute light and its manifestations reflected in the architecture of the Sheikh Lotfollah Mosque? To what extent can these reflections be aligned with Ibn Arabi's mystical views? What is the connection between the concepts of similitude and transcendence in Ibn Arabi's mysticism and the lighting design in the Sheikh Lotfollah Mosque?

The research seeks to achieve the following objectives: Analyze the reflection of absolute light and its manifestations in the architecture of the Sheikh Lotfollah Mosque. Comparative analysis of Ibn Arabi's mystical views with the mosque's lighting design clarifies the relationship between the concepts of similitude and transcendence and the lighting design in the mosque's architecture. This research also analyses how a spiritual and mystical experience is created through the mosque's lighting design.

Given the importance of Islamic architecture in Iranian culture and art, a detailed and thorough examination of symbolic elements in these buildings can lead to a deeper understanding of the relationship between art, architecture, and Islamic mysticism. The Sheikh Lotfollah Mosque, as a prominent example of Safavid architecture, is significant not only historically and artistically but also in terms of its mystical concepts. This study can contribute to elucidating how profound mystical concepts are reflected in Islamic architecture and provide a comparative analysis between these concepts and architectural design. Ultimately, the research will directly enrich the study of Islamic architecture and mysticism and identify lesser-explored aspects of these works.

Keywords: Light, Similitude, Transcendence, Islamic architecture, Ibn Arabi, Sheikh Lotfollah Mosque



This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)